



فرهنگستان

چطور می توان
هم از وطن گفت و هم از نوجوان
فیلم سرپای «بچه مردم» را ببینید

پدر و مادر مرا ایران

اصلاح طلبان رادیکال با متن هایی که به کروی می دهند چه مسیری را می روند

بازی خطرناک با شیخ ۳۰۰ هزار تایی

پیدا کردن منظور لاریجانی از سیاسیونی که شرایط اجتماعی کشور را درک نمی کنند، سخت نیست

آدرس زعمای انسجام شکن

گلوگاه های پر خطای سیستم بانکی را بشناسیم

خط تولید بانک های بی آینده را
متوقف کنید

حدود یک چهارم مقالات نانو ایران در دانشگاه آزاد تولید می شود؛ اما این همه ماجرا نیست

فناوران دانشگاه
با ۴۰ درصد در «ایرانانو ۱۴۰۴»

بازی خطرناک با شیخ ۳۰۰ هزار تایی



علی مزروعی

خبرنگار گروه سیاست

یادداشت

مهدی کروی که در انتخابات سال ۸۸ با ۳۳۸ هزار رأی حتی به اندازه نصف نفر سوم، یعنی محسن رضایی هم رأی نیاورد و آخر شده بود، به یکباره به کمپین مدعیان قلب پیوست تا سنگینی شکست متحمل شده را از دوش خود برداشته و به حاکمیت تحمیل کند. کروی که در ادعای قلب از کاندیدای نفر دوم هم جلوتر رفت و بیانیه های تندتری می داد، تصویری از خود ساخت که از بیرون توسط طیف رادیکال اصلاح طلبان به نفع تنش آفرینی خط دهی می شد. این کارکرد ماشین امضاگونه بعد از ۱۶ سال همچنان ادامه داشته و کروی رأی بازنده خود را هر بار برای یک کنش رادیکال دیگر به حراج می گذارد. در جدیدترین کنش، اخیراً یک خبر از دیدار کروی با فرزندان میرحسین موسوی منتشر شده که در آن به نقل از کروی ادعای قلب در انتخابات سال ۸۸ بار دیگر تکرار شده است. این ادعا که تاکنون توسط چهره های شاخص اصلاح طلبان و حتی شخص خاتمی رد شده، بیشتر از آنکه برای حفظ فضای اتهام کارکرد داشته باشد، به امید جذب بدنه ای در فضای رادیکالیسم مطرح شده است؛ اما بدنه رادیکال نویسندگان متن های کروی باید بدانند که در فضای دوقطبی و پرتنش بدنه به سمت مدل هایی رادیکال تر از کاندیداهای ۳۰۰ هزار نفره رفته و کروی بهره ای از تنشی که سعی در دامن زدن به آن دارد، نخواهد برد. تکرار ادعایی تاریخ مصرف گذشته که سید محمد خاتمی در سال ۱۳۹۱ صراحتاً رد کرد و گفت «من نمی گویم قلب شده است»، محمد علی ابطحی، چهره نزدیک به خاتمی آن را «اسم رمز آشوب» خواند و سعید حجازیان، تئورسین جریان اصلاحات به «تدلیس سیستماتیک» تقلیل داد، نه تنها پایگاه کروی و طیف رادیکال نویسندگان بیانیه هایش را گسترش نمی دهد بلکه درگاه های سیاست ورزی اصلاح طلبان رادیکال را مسدود می کند. تئورسین های رادیکالیسم گمان می کنند تنش آفرینی فرصت امتیازگیری را تسهیل می کند؛ اما در عمل فهمی معکوس علیه آن ها ایجاد می شود.

ادامه در صفحه ۲

دیگر خراب کاری در آسیا کافی نیست



زهرا طیبی

خبرنگار گروه سیاست

یادداشت

«انقلاب سودان» کودتای طراحی شده ای بود تا تجزیه و ناآرام کردن سودان را محقق کند. دسامبر ۲۰۱۹ زمانی که تصویری از زن سفیدپوش سودانی در جریان ناآرامی های سودان منتشر شد، «اصلاح» دختر ۲۲ ساله که حال نه در سودان که در آمریکا تحصیل می کند، به عنوان نماینده ای از انقلاب سودان و صدای زنان پیشرو و آزادی خواه در انقلاب سودان معرفی شد، اعتراضی بر ساخت شد که نهایتاً منجر به ناآرامی و بی ثباتی و کشتار گسترده در سودان شد. این انقلاب خیالی رخ داد تا کشورهای که چشم به منابع و موقعیت سودان دوختند با حمایت و تأمین مالی شورشیان بتوانند در این منطقه جولان دهند و منافعشان را حفظ کنند. سودان این روزها هم صحنه درگیری شورشیانی است که در سال ۲۰۱۹ به اسم انقلاب، خیابان های سودان را به آشوب کشیدند و حالا همین نیروها در حال رقم زدن نسل کشی هستند که اگرچه رسانه ها آن به جنگ داخلی تعبیر می کنند؛ اما صراحتاً تحت حمایت کشورهای مثل امارات و رژیم صهیونیستی پیش می روند. اتفاقاتی که در سودان رخ داد، سال ها و به ویژه در جریان ناآرامی های ۲۰۱۹ برای ایران همانند سازی می شد و رسانه های فارسی زبان، سودان و جنبش زنانه آن نقطه امل ناآرامی های ۱۴۰۱ ایران می دانستند. حالا مادر حالی که زنان سودانی به دست نیروهای موسوم به واکنش سریع قتل عام می شوند؛ خبری از ابراز نگرانی ها برای جنبشی که زمانی رسانه ها به اسم جنبش های آزادی خواهانه زنان از این شورش ها حمایت می کردند نیست. حالاً می توان روایت دقیق تری از خرابی که دشمنان ایران به اسم جنبش های آزادی خواهانه زنان برای ایران و دیگر کشورهای خاورمیانه دیده اند، داشت.

شبه انقلابی با پوشش مطالبات زنان در سودان

«سودان توانست ما هم می توانیم». دسامبر ۲۰۱۹ که سودان درگیر جنگ داخلی شد و نیروهای موسوم به واکنش سریع، تا برکناری دولت حاکم پیش رفتند، رسانه های فارسی زبان با القای آنکه این انقلاب توسط زنان آزادی خواه در جامعه تمامبستی و مسلمان سودان رخ داد، به دنبال تعریف نسخه ای مشابه برای وقوع ناآرامی در ایران بودند. ادامه در صفحه ۲

